

سروده‌ای در بزرگداشت و سپاس از خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

### فرزانه ارجمند استاد جلال طوفان

ای خوش اندر سر شعاعِ مهرِ رخشان داشتن  
بهر بیداری خلق از خواب سنگین و گران  
از برای قطع دست ناکسان از مال غیر  
باقیام از بهر ویران سازی بنیادِ ظلم  
از برای رونق بازار داتش روز و شب  
با امید و کوششی وافر، به میدان نبرد  
گر رهائی خواهی از چنگالِ جهالِ ظلم  
خرم آن قومی که دارد عالمی اندر میان  
جهرمی بر خود بیال از یآوری اینسان رشید  
مهد دانش بوده جهرم در گذرگاه زمان  
جهرم آبادی گرفت از جهد دلسوزی دلیر  
دشمن نامردمی‌ها بود «طوفان جنوب»  
اهرمن گر کرد بر پا در رهمت آشوب و کین  
زنده گردید از تو در جهرم نهالِ بخردی  
دور باد از نام نیکویان گزند روزگار  
گو نیاید ناله مرغ از فراز شاخسار  
ارج می‌باید نهادن زحمت آموزگار  
خیز تا جان در ره مردان نام‌آور دهیم  
سوخت اندر راه بیداری ما شمع وجود  
حق استادی چو طوفان کی توان کردن ادا  
نام طوفان شد قرین با نیکی اندر این دیار

مهر ۱۳۸۲ - جهرم

عبدالجبّار فرامی